

## فضای کسب و کار ایران در گفتگو با دو سرمایه‌گذار ایرانی گفتگو با دکتر فرامرز ناطقیان و مهندس علی نادری

■ گفتگو: امیرعلی بینام



در سومین دوره برگزاری جشنواره کارآفرینی شیخ‌بهایی که با هدف شناسایی، معرفی و تجلیل از کارآفرینان، طراحان کسب و کار و حامیان کارآفرینی در اصفهان برگزار شد، چند نفر از سرمایه‌گذاران خارجی نیز حضور داشتند. دکتر فرامرز ناطقیان و دکتر روزبه پیروز از جمله ایرانیانی بودند که با حضور در این جشنواره برای سرمایه‌گذاری در ایران و توسعه فضاهای جدید کسب و کار تمایل نشان دادند. همین امر منجر به اتخاذ قراردادهای و تصمیمات تازه‌ای در این زمینه شد.

در این شماره نشریه "رشد فناوری" با دو نفر از این سرمایه‌گذاران یعنی دکتر فرامرز ناطقیان، سرمایه‌گذار از آمریکا و مهندس علی نادری، سرمایه‌گذار از اصفهان درباره پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری ایران، فضای کسب و کار، فرصت‌ها و چالش‌های موجود در فضای کسب و کار کشور گفتگویی انجام دادیم.

حضور دکتر ناطقیان را در ایران به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم که فضای جدید اقتصادی ایران از طریق تسهیل مقررات، قوانین و همچنین اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌های تازه و سازنده بتواند زمینه جلب و جذب هر چه بیشتر کسانی را فراهم کند که می‌خواهند در سربلندی ایران و رونق این کشور پهناور سهمی داشته باشند. نشریه رشد فناوری از نظرات و مقالات و همچنین گفتگو با سرمایه‌گذاران و حامیان سرمایه‌گذاری استقبال می‌کند. این گفتگو را به خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم.

■ ■ ■ ■

**آقای دکتر ناطقیان، با تشکر از اینکه در گفتگوی ما شرکت کردید، لطفاً بفرمایید**

کرده با حقوق ناچیز و منابع طبیعی با قیمت ارزان است. یعنی هم نیروی کار باید خوب باشد و هم قیمت کالاها باید ارزان باشد. اکنون ساختن محصولات جدید در دست شرکت‌های اندکی از آمریکا و اروپا است و انبوه‌سازی در آسیا انجام می‌شود. مسأله اصلی این است که چگونه با قیمت کم و نیروی کار خوب بتوان به انبوه‌سازی رسید. بنابراین یک بخش مهم در این زمینه R&D و بخش بعدی در انبوه‌سازی است.

حال با توجه به اینکه قدرت‌های مختلف در عرصه اقتصاد جهانی فعالیت می‌کنند، باید دید نقش کشورمان چگونه باید باشد تا با این رشد سریع اقتصاد جهانی نابود نشده و بتواند جایگاه خود را در جهان پیدا کند. بنابراین باید جایگاه خود را در بازار جهانی پیدا کنیم. در حال حاضر کشور ما در جایگاه مصرف‌کننده قرار دارد. ما

**توصیف شما از فضای کنونی کسب و کار در دنیا چگونه است و آن را چگونه تحلیل می‌کنید؟**

**دکتر ناطقیان:** از فرصتی که در اختیار بنده قرار دادید تا بتوانم سخنان خود را ارائه کنم بسیار متشکرم. اگر بخواهیم فضای کسب و کار کنونی جهان را توصیف کنیم، شاید لازم باشد به این بحث بپردازیم که در جهان کشورهای زیادی درگیر ایجاد اشتغال و کارآفرینی هستند. در حال حاضر شرکت‌های بسیاری در آمریکا، اروپا، چین و هند تأسیس می‌شوند که به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. چین با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر و هند تقریباً با یک میلیارد نفر جمعیت و از سوی دیگر اروپا با ۳۲۰ میلیون نفر و آمریکا هم با ۲۸۸ میلیون نفر جمعیت با هم رقابت می‌کنند.

محور رقابت این کشورها، نیروی کار تحصیل

نفت می‌فروشیم و از سوی دیگر کالاهای مورد نیازمان را وارد می‌کنیم. محصولاتی را که به صورت محدود در کشور تولید می‌کنیم نیز فقط جوابگوی نیاز خودمان است و کاری با اقتصاد دنیا ندارد. در واقع جز نفت و فرش کالای دیگری برای عرضه نداریم. ولی در بخش ارائه خدمات می‌توانیم نقش متفاوتی را برای ایران رقم بزنیم، باید روی محورهایی تمرکز کنیم که مزیت ملی داشته باشند.

زمانی ما می‌توانستیم با کشور هند رقابت جدی در زمینه مدیریت روابط با مشتری<sup>۱</sup> داشته باشیم. ولی ما این فرصت را و به عبارت بهتر این بازار را از دست دادیم. در حالی که می‌توانستیم بازار خوبی را در جهان اختصاص دهیم. بنابراین مسأله خدمت‌رسانی یک مسأله دراز مدت است. در واقع ما باید بتوانیم خدماتی ارائه کنیم که جهان بتواند آنها را خریداری کند. به نظر بنده ایران در برخی زمینه‌های خدماتی می‌تواند با مطالعه وارد شده و بازارهایی را برای خود ایجاد کند و کارآفرینی نماید. خدمات باید در سطح جهانی تعریف شده باشند و به جهان عرضه شوند. به عنوان مثال هندوستان خدمات مالیاتی مردم آمریکا را انجام می‌دهد. حال ما باید از خود بپرسیم آیا خدمتی وجود دارد که ایرانی در آن عالی باشد و بتواند آن را به جهان عرضه کند. این سؤال را محققان ما باید جواب بدهند و سپس سرمایه‌گذاران روی آن سرمایه‌گذاری کنند.

ولی در بخش‌های تولیدی، رقابت برای ما خیلی سخت است و هر روز هم سخت‌تر می‌شود. کشوری مثل چین محصولی را با یک دهم قیمت جهانی تولید می‌کند. این یعنی در بیشتر دنیا بازار تولید در دست چینی‌ها و هندی‌ها خواهد بود.

**آقای دکتر ناطقیان، با توجه به اینکه شما در آمریکا با کسب و کارهای نوین آشنایی دارید و بیش از هر کسی می‌دانید که پایه ایامد کسب و کارهای نوین از منطقه‌ای به نام سیلیکون ولی<sup>۲</sup> آغاز شد، ممکن است بفرمایید عوامل بسترساز این حرکت عمیق کارآفرینی در آمریکا چه بود؟**

**دکتر ناطقیان:** زیربنا و زیرساختی که در دره سیلیکون رخ داد، در کل آمریکا به وجود آمده بود. دانشگاه‌های معتبری که در آمریکا به وجود آمد، شرایطی که این کشور برای ورود نخبگان خارجی فراهم کرد و آزادی فردی که برای رشد وجود داشت به همراه شرایط منطقه‌ای، دره سیلیکون را به شهرت جهانی رساند. در نتیجه باید گفت: "آمریکا، آمریکا نمی‌شد اگر نیروی انسانی توانمند نداشت" و در عین حال، "سیلیکون ولی هم سیلیکون ولی نمی‌شد اگر در آمریکا نبود". بنابراین، عوامل متعددی مثل دانشگاه‌های معتبر، مدیریت ماهر، تفکر عمل‌گرا<sup>۳</sup>، وجود جامع مدنی، دولت دمکراتیک، همه و همه در شکل‌گیری این فضا و توسعه چنین حرکتی نقش داشتند.

در ایران، حرف‌های تئوریک زیاد مطرح می‌شود. اما کمتر به مرحله اجرا می‌رسند. ولی در آمریکا همه به دنبال عمل و اصل مطلب هستند. سیلیکون ولی منطقه‌ای است که بسیاری از نخبگان دانشگاه‌های استنفورد، برکلی و سایر دانشگاه‌ها در آنجا حضور یافتند و از زمانی که هولت پاکارد<sup>۴</sup> شروع به ساختن و توسعه پارک خود در این منطقه کرد، شرکت‌های جانبی مرتبط نیز در این منطقه شکل گرفتند.

**امروزه در ایران به ویژه در برنامه‌های پنج ساله<sup>۵</sup>**

**توسعه و چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام، اقتصاد دانش‌بنیان نقشی برجسته داشته و در واقع ما می‌فواهیم شرکت‌های دانش‌بنیان داشته باشیم و سرمایه‌های دانشی را در کشور به سامان برسانیم، به نظر شما رسیدن به این مقصود چه الزاماتی دارد و ما باید در ایران چه اقداماتی را انجام دهیم؟**

**دکتر ناطقیان:** مسأله دانش‌محوری یک تغییر الگو<sup>۶</sup> در رشد فکر است. به عبارتی، تغییر در باورهای بنیادین است. زمانی ساختن راه‌آهن، جاده، فرودگاه و اتومبیل چیزهای مهم و قابل لمس بود که در واقع همان پارادایم انقلاب صنعتی<sup>۶</sup> بود. ولی وقتی وارد عصر اطلاعات می‌شویم، در واقع بنیاد رشد به گونه‌ای دیگر می‌شود و با اطلاعات و دانش و نیروی انسانی همه چیز عوض می‌شود. در این عصر دیگر زمین، قطار، ماشین و چیزهای مانند آن ارزش محسوب نمی‌شود. در این پارادایم اگر دقت کنیم دیگر اشیاء ملموس تعیین کننده نیستند؛ بلکه اطلاعات و دانش و نیروی انسانی تعیین کننده هستند و موجب تفکر و تغییر و نوآوری می‌شوند. حال این سؤال مطرح می‌شود که چه کسانی این تفکر و دانش را می‌توانند داشته باشند؟ به نظر من فقط نیروی انسانی است که می‌توانند داشته باشند. باید پرسید آیا نقش اقتصاد دانش‌بنیان در کشور برجسته شده یا فقط حرف آن متداول شده است؟ این قضاوتی است که آن را باید به تاریخ سپرد.

وقتی پیتر دراکر سازمان دانش‌بنیان را تعریف کرد، گفت: امروزه انسانها با فکرشان به جهان حرکت می‌دهند و آنها با فکر و دانش جهان را متحول می‌کنند و یا آن را به محیط مجازی و غیرمجازی می‌برند و از طریق آن کار و تلاش را

1. Customer Relationship Management (CRM)  
2. Silicon Valley  
3. pragmatist

4. Hewlett Packard (HP)  
5. paradigm shift  
6. Industrial Revolution

**امروز بحث‌هایی مثل نظام ملی نوآوری و نظام ملی فناوری در کشور ما مطرح است. نگاه شما به این نظام و نقش آفرینان این بحث در خارج از کشور و همچنین ایران چگونه است و چه تملیلی دارید؟ چگونه ما می‌توانیم نظام نوآوری پویا و هدفمندی داشته باشیم؟**

**دکتر ناطقیان:** شاید این موضوع تا حدودی تسلیم‌پذیری می‌خواهد. کشورهایی مثل قطر، سنگاپور و دبی اجازه کامل داده‌اند تا خارجی‌ها بیایند و این کشورها را به کشورهایی با نظام ملی نوآوری و نظام ملی فناوری تبدیل کنند. این کشورها چنین ادعایی نداشتند که ما همه کارهای خودمان را می‌توانیم انجام دهیم.

در کشورهایی مثل عربستان و قطر اکثر فنون مهندسی در دست کارشناسان خارجی است. ولی کشور ما دارای یک غرور ملی است و این غرور برایمان مهم‌تر از پیشرفت فناوری است. چون انقلاب کرده‌ایم و این انقلاب برایمان حیاتی است. می‌خواهیم از این انقلاب نگهداری کنیم تا هیچ کس در آن نفوذ نکند. بنابراین با خیلی از کشورهایی که نظام توسعه‌یافته‌ای دارند، به نوعی قهر هستیم. برای رسیدن به نظام ملی نوآوری و نظام ملی فناوری، کشور ما نیز باید از بقیه کشورهای جهان کمک بگیرد.

متأسفانه ما هنوز نتوانسته‌ایم با جهان دوست باشیم و از کشورهای توسعه یافته کمک بگیریم که نوآوری و نظام ملی فناوری را با ما بیاموزند. واژه "ملی" بسیار گول زنده است. زیرا امروزه همه چیز جهانی است و آنهایی که دغدغه ملی‌گرایی دارند ابتدا باید جهانی فکر کنند تا بتوانند نظام ملی نوآوری را در کشور پیاده کنند.

**پارک‌ها و مراکز رشد که از چند سال گذشته**

تبدیل شود و پایه اقتصاد نوین، فناوری اطلاعات است. پایه اقتصاد دانش‌بنیان تفکر است که از ابزارهایی مانند IT نیز سود می‌برد.

حال ممکن است شما بپرسید کشور ما در کجای این فرایند قرار دارد؟ باید بگویم در ایران حرکت‌های اولیه آغاز شده است، ولی تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. معیار ما باید معیار مقایسه جهانی باشد. زمانی که بتوانیم حتی با یک کشور در تولید محصولی رقابت کنیم و آن محصول بر اساس اقتصاد دانش‌بنیان ساخته شده باشد، آنگاه می‌توانیم ادعا کنیم اقتصاد دانش را بنا کرده‌ایم.

تقسیم‌بندی‌های مختلفی هم از دنیای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد، ولی به اعتقاد بنده هر تقسیم‌بندی که انجام شود، نتیجه این است که ما عقب هستیم و باید برای رسیدن به سطح مطلوب توسعه و پیشرفت تلاش کنیم.

نکته اساسی این است که چطور با عقب بودن خود در این حوزه از یک سو و پیشرفته‌تر شدن هر چه بیشتر دنیای جدید از سوی دیگر کنار بیاییم. چون سرعت تغییرات و دگرگونی‌های فناوری در دنیا بالاست، هر قدم که ما جلوتر می‌رویم، آنها ۱۰ قدم به جلو گام بر می‌دارند.

بنابراین ما باید تلاش کنیم استانداردهایی را تعریف کرده و هر سال آنها را تا حدودی تقویت کنیم و ارتقا دهیم.

اگر استاندارد زندگی ما در سال حدود ۲۵۰۰ دلار است تلاش کنیم به ۵۰۰۰ دلار افزایش یابد. چون هیچ وقت نمی‌توانیم این استاندارد را به ۳۵ هزار دلار آمریکا برسانیم.



بنیان‌گذاری

می‌کنند. امروزه اگر

فردی یک شرکت ۱۰۰ میلیون دلاری را اداره می‌کند، کسی نمی‌تواند آن دانش را از او بگیرد. دانشی را که به این شکل کسب شده، نمی‌توان از فرد یا افراد مورد نظر گرفت و به دیگری بخشید. این "تجربه" است که شرکت‌های میلیاردری را به وجود آورده است. پایه رشد، دانش است و این دانش در ذهن و تفکر انسانها قرار دارد. چند مدیر با چنین قدرتی را می‌شناسیم که بتوانند معیارهای اولیه اقتصاد دانش‌بنیان را پایه‌گذاری کنند؟

**به نظر شما چه ملاک‌ها و معیارهایی در ایران باید تغییر یابد و یا منصف شود تا امکان رشد دانش و اقتصاد دانش‌بنیان در کشور ما نیز شکل بگیرد؟**

**دکتر ناطقیان:** جواب سؤال بر می‌گردد به نوع پارادایم شیفیتی که در هر کشوری اتفاق می‌افتد. پارادایم شیفیتی که ما در کشور احتیاج داریم این است که اقتصاد کهنه به اقتصاد نوین

## در ایران شکل گرفته و می‌گیرند تا چه مد توانسته‌اند راه درستی را که پارک‌ها و مراکز رشد موفق دنیا طی کرده‌اند، دنبال کنند؟

**مهندس نادری:** این حرکت‌ها، تلاش‌های خوبی است. ولی ما این پتانسیل را داریم که یک موضوع خوب را بگیریم و آن را منحرف کنیم. نگرانی بنده از این است که مبادا پارک‌ها و مراکز رشد در کشورمان بومی شوند و بعد از بومی شدن ارتباط آنها با سرمنشأ خود قطع شود. چیزی که اغلب دیده می‌شود این است که بیشتر اشتغال این پارک‌ها برای کارمندان دولت است. به عبارت بهتر، کارمندان این پارک‌ها حقوق‌بگیران دولت هستند. هنوز در هیچ کدام از پارک‌های فناوری اتفاقاتی که در پارک‌های مشابه خارجی اتفاق افتاده، رخ نداده است. نه سرمایه‌گذاران بزرگ به این پارک‌ها آمده‌اند نه کارآفرینان بزرگ و نه صاحبان دانش‌های بزرگ. از همه مهم‌تر این که فضای کسب و کار آزاد در آنها شکل نگرفته است. پارک‌ها صرفاً یک آزمایشگاه



نیستند بلکه باید نقش واقعی خود را ایفا کنند. پارک‌های فناوری در چین و کره و ژاپن و سنگاپور فضا را برای سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران فراهم کرده‌اند. پارک‌های ما چه امکاناتی را برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده‌اند؟ چه تسهیلاتی را به آنها می‌دهند؟ در ایران قیمت زمینی که برای سرمایه‌گذاری داده می‌شود سه برابر قیمت زمینی است که می‌توان در بیرون از پارک آن را تهیه کرد.

به نظر من کسی که می‌خواهد یک پارک فناوری را اداره کند باید یک تاجر خصوصی باشد نه یک کارمند دولت یا استاد دانشگاه. باید مجوز تأسیس پارک به بخش خصوصی داده شود، اصولاً ایجاد کسب و کارهای کوچک کار بخش خصوصی است.

## پارک‌ها و مراکز رشد گروه‌های فارغ‌التحصیل و صاحب ایده را پذیرش می‌کنند و از آنها برای تبدیل شدن به یک شرکت و کسب و کار ممایت می‌کنند. به نظر شما در چه شرایطی می‌توان به موفقیت این شرکت‌ها و این فارغ‌التحصیلان امیدوار بود؟

**دکتر ناطقیان:** به نظر من این تفکر که چند دانشجو می‌توانند شرکتی را ایجاد کنند و به ثمر برسانند، تفکر نادرستی است و باید اصلاح شود. در هیچ جای دنیا نیز به این شکل نیست و تصور اینکه تعدادی دانشجو می‌توانند پدیده بزرگی مثل شرکت را ایجاد کنند، فکر و خیال خامی بیش نیست. از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند به این موضوع کمک کند تا یک تیم صاحب ایده موفقیتی حاصل کند، کسب تجربه است.

این تجربه است که می‌تواند در طرح‌های پیشنهادی ملاک ارزیابی‌ها قرار بگیرد. در نتیجه ما می‌بایست جوانان را با مدیران با تجربه آشنا کنیم تا مدیران بتوانند همراه با جوانان شرکت‌های نوپا را ایجاد کنند.

یکی از نیازهایی که در پارک‌های فناوری ایران شدیداً احساس می‌شود وجود بانک اطلاعاتی از سرمایه‌داران است که آدرس، تلفن و پست الکترونیک آنها را در اختیار پارک‌ها قرار داده و زمینه ارتباط با آنها را فراهم کند تا جوانان صاحب ایده ما بتوانند با سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران ارتباط برقرار کنند. این بحث در آمریکا به "مانیتورینگ" معروف است. این بانک از استادان دانشگاه و یا افراد دولتی تشکیل نشده است. کسی می‌تواند این نقش را ایفا کند که حداقل ۲۰ سال تجربه اداره شرکتی را داشته باشد. بنابراین باید بیش از پیش به این گروه‌ها یا همان سرمایه‌گذاران بها داد.

کار دیگر آوردن دفاتر شرکت‌های بزرگ به پارک است. به عبارت بهتر دفاتر R&D شرکت‌های بزرگ باید در پارک‌های فناوری مستقر شوند. اگر این اتفاق بیفتد جوانان، فارغ‌التحصیلان و افراد دارای شرکت در پارک می‌توانند ارتباط سازنده و ارزشمندتری را با R&D این شرکت‌ها داشته باشند. در واقع جوانان می‌توانند از اینگونه مراکز الهام بگیرند و شرکت‌های خود را توسعه دهند. سؤال دیگر اینکه مدیر پارک چطور می‌تواند مثل "سرمایه‌دار" فکر کند؟ آنچه مشاهده می‌شود آن است که مدیران پارک‌های فناوری در ایران خود را "زمین‌دار" فرض می‌کنند که تفکری است اشتباه، زیرا پارک باید خود بخشی از فرایند تأسیس یک شرکت باشد. نکته دیگر اینکه در حال حاضر دولت ۷۵ درصد

حضور داشته باشد. مدیر عامل شرکت Netscape ۷۰ میلیون دلار به دانشگاه استنفورد هدیه کرد، زیرا فارغ‌التحصیل آن دانشگاه بوده است. به نظر من پارک‌های فناوری در ایران و شهرک‌های علمی و تحقیقاتی می‌توانند زمین در اختیار شرکت‌ها قرار دهند و بعد از آن بخشی از درآمد و سهام شرکت‌های مستقر در آنها را برای خودشان بردارند و در واقع یکدیگر را حمایت کنند. شاید روزی همان افرادی که از شهرک زمین گرفته‌اند قسمتی از سود شرکت را به شهرک هدیه کنند.

### آیا این درست است که معتقد باشیم پارک‌ها و مراکز رشد باید از فارغ‌التحصیلان حمایت کنند؟

**مهندس نادری:** نه لزوماً اینگونه نیست. پارک‌ها و مراکز رشد باید از سرمایه‌گذاران حمایت کنند و به دنبال این امر مهم نیز باشند که برای فارغ‌التحصیلان شغل ایجاد شود. وقتی سرمایه و سرمایه‌گذار جذب شد، می‌توانیم نیروهایی را برای این سرمایه‌گذاران جذب کنیم که بتوانند کار انجام دهند و اهداف سرمایه‌گذار را تأمین کنند. باید ارتباط و تعامل افراد صاحب دانش برقرار شود. چون دانشجو صاحب دانش نیست، دانش اصلی در محل کار ایجاد می‌شود. با سرمایه‌گذاری در دانشگاه فرد مهارت ایجاد یک کسب و کار را پیدا نمی‌کند، بلکه در فضای کسب و کار فرد این مهارت‌ها را کسب می‌کند.

**دکتر ناطقیان:** در واقع پارک‌ها و مراکز رشد باید از طریق جذب مدیر یا سرمایه‌گذاری که نوآوران با مدیریت بهینه آنها آشنا شوند، از فارغ‌التحصیلان حمایت کنند.

کرد که فارغ از بوروکراسی کنونی دولتی و فارغ از بازرسی‌های سازمان حسابرسی در جهت تولید و رونق اقتصادی باشد.

**مهندس نادری:** دانشجویی که فارغ‌التحصیل می‌شود نمی‌تواند یک کارآفرین باشد. دانشجویی که فارغ‌التحصیل می‌شود اول باید کار کند تا کار یاد بگیرد. از کسی که تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده، قاعدتاً طرح تجاری بزرگی شکل نمی‌گیرد. این دانشجو می‌تواند مخترع باشد ولی مخترع بودن به معنای کارآفرین بودن نیست.

این دانشجو ابتدا باید در شرکتی کار کند و بعد از چند سال کار کردن کارشناس شود. بعد از کارشناس شدن مدیر شود و سپس بتواند مدیرعامل شرکتی شده و به ایجاد و توسعه کسب و کارهای جدید بپردازد. اگر این مراحل طی نشود معلوم است که این افراد بدون تجربه و طرح کسب و کار ورشکست می‌شوند. عده‌قلیلی هم که موفق می‌شوند کسانی هستند که با افراد خیره‌کار انجام می‌دهند و تمام مراحل و پیچیدگی کارشان را یاد می‌گیرند.

**آیا در دانشگاه‌هایی مثل استنفورد و MIT شرکت‌های دانشجویی شکل گرفته و فارغ‌التحصیلان که سرمایه و حمایتی از دانشگاه گرفته‌اند، بعد از شکل‌گیری در فارغ از دانشگاه بخشی از سهام خود را به دانشگاه‌ها هدیه می‌کنند؟**

**دکتر ناطقیان:** در اکثر شرکتهایی که دانشجویان تشکیل می‌دهند یک مدیر با تجربه نیز سهامدار است. در واقع یک سرمایه‌گذار مخاطره‌پذیر زمانی در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کند که حتماً یک مدیر با تجربه در شرکت

از اقتصاد کشور را در دست گرفته است. باید آرام آرام این دگرگونی به وجود آید که دولت فضا را به بخش خصوصی بسپارد و احیاناً در ایجاد شرکت‌ها و بنگاه‌ها دولت در بخشی از سهام این شرکت‌ها سهامی شود. کاری که در کره، ژاپن، سنگاپور و بسیاری از کشورهای دیگر رایج بوده است. در واقع شرکت‌های نوآور باید شریک دولت باشند و دولت فقط باید در سرمایه‌گذاری شرکت کند و در اداره شرکت دخالتی نداشته باشد.

نکته مهم دیگر این است که پارک‌های فناوری چگونه از حالت غیر فعال بودن به حالت فعال بودن برسند. متأسفانه هنوز این پارک‌ها دفاتر مربوط به طرح بازاریابی<sup>۱</sup> ندارند. یعنی مدیر پارک می‌بایست با طرح تجاری خود هر ماه حداقل یکی دو تا شرکت را به شهرک بیاورد.

این نقش مدیر پارک است که پارک را به وضعیت فعال تبدیل کند. مالک چند هکتار زمین بودن نمی‌تواند موفقیت باشد. داشتن ۳۰ هکتار زمین سرمایه پارک نیست. بلکه ۳۰ میلیون جوان مستعد و آماده فعالیت باید سرمایه پارک باشد.

**نقش دولت در چه شرایطی می‌تواند برای بنگاه‌های کوچک و متوسط و به طور کلی بخش**

**فصلنامه ما مفید و مؤثر باشد؟**

**دکتر ناطقیان:** باید نظام جدیدی برای حمایت‌های دولتی طراحی و تدوین شود. دولت می‌تواند در نقش شرکت‌های مادر تخصص نقش را ایفا کند که دولت‌ها در سنگاپور و چین ایفا کرده‌اند.

دولت می‌تواند نقش سرمایه‌گذار مخاطره‌پذیر را ایفا کند. حتی می‌تواند سهامدار شرکت‌هایی باشد که بخش خصوصی آنها را با سرمایه دولت راه‌اندازی کرده است. ولی باید به گونه‌ای عمل

**در هر سال هزاران جلد پایان‌نامه تهیه می‌شود که از دل دانشگاه‌ها و زیر نظر استادان مشهور بیرون می‌آید و در جلد‌های زورق شده به بایگانی‌ها سپرده می‌شود. چرا آماری نمی‌بینیم که مثلاً چند درصد این پایان‌نامه‌ها به کالا یا خدمت تبدیل شده؟**

**مهندس نادری:** باید بدانیم که در هر حال اول باید میزان تولید بالا رود. قبل از اینکه به دنبال تولید علم و افزایش آن برویم باید در کشور سرانه تولید و درآمد سرانه ملی بالا برود. برای اینکه درآمد سرانه ملی بالا برود باید در ابعاد مختلف پایه تولید افزایش پیدا کند. افزایش کنونی ظرفیت دانشگاه‌ها و تعداد دانشجویان متناسبی با تولید سرانه ملی ما ندارد. بنیان حرکت مملکت باید تولید سرانه ملی<sup>۱</sup> باشد. این موضوع رفاه و آسایش به همراه می‌آورد. GDP کشور ما جزو فقیرترین GDPها در دنیاست و در حال حاضر برای هر فرد ۲۵۰۰ دلار در سال است.

**دکتر ناطقیان:** پایان‌نامه مساوی با طرح تجاری نیست. اصولاً خیلی جاها پایان‌نامه نوشتن مساوی با مدرک گرفتن است. خیلی هنر می‌خواهد که بتوان پایان‌نامه را به یک طرح تجاری تبدیل کرد و از آن طرح‌ها از نظر اقتصادی جواب گرفت. ولی نکته‌ای که شما روی آن تأکید می‌کنید و به نظر بنده درست است، این است که پایان‌نامه و به طور کلی طرح‌هایی که در ایران قابلیت تبدیل شدن به طرح اقتصادی را داشته باشند و درآمدزا باشند نیز با مشکل مواجه هستند و نمی‌توانند به هدف برسند. زیرا همانگونه که قبلاً اشاره کردم هنوز نه جوانان می‌دانند چگونه به سراغ مدیر با تجربه و سرمایه‌دار بروند و نه سرمایه‌داران ما اعتقاد به سرمایه‌گذاری روی استعداد‌های جوانان دارند. اصولاً بسیاری از

طرح‌ها به خاطر نبود سرمایه به حال خود رها می‌شوند و یا افراد هر چه به دنبال سرمایه می‌گردند موفق به جذب آن نمی‌شوند. در کشور ما هنوز مثلث عاطفی نوآر و سرمایه‌دار و مدیر با تجربه در کنار هم تجربه نشده است.

بنابراین به نظر می‌رسد هنوز قوانین و مقررات حمایتی که بتواند زمینه و فضا را برای سرمایه‌گذاری فراهم کند، به وجود نیامده است. فقط در صورت به وجود آمدن قوانین و مقررات حمایتی ما شاهد تشکیل آن مثلث خواهیم بود.

**شما که بعد از سالها برای سرمایه‌گذاری به ایران آمید، سؤال این است اگر سرمایه‌گذاری فارجم بودید، چه نیازهایی را در کشورمان اساس می‌کردید و چه تمولاتی را ضروری می‌دانستید؟**

**دکتر ناطقیان:** به نظر من کارهایی در ایران آغاز شده تا جذب سرمایه‌گذاری و هدایت سرمایه‌گذاران به ایران فراهم شود. ولی این کار، کار یک شب و دو شب نیست. شاید دهها سال کار نیاز داشته باشیم تا بتوانیم به هدف مطلوب دست یابیم.

دولت باید بخش خصوصی را حمایت کند و از طرف دیگر از سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی حمایت کند. ایران در حال رشد است و سرمایه‌های خارجی هم به ایران می‌آیند. ولی روند رشد آهسته است و باید راه سریع‌تر رشد را پیدا کنیم.

**مهندس نادری:** ابتدا در ایران باید میزان تولید بالا برود. یعنی قبل از آنکه به دنبال تولید علم و افزایش آن باشیم باید سرانه تولید کشور را بالا ببریم. برای آنکه درآمد سرانه ملی بالا برود، باید در ابعاد مختلف پایه تولید افزایش پیدا کند.

افزایش کنونی ظرفیت دانشگاه‌ها و تعداد دانشجویان متناسبی با تولید سرانه ملی ما ندارد. دور حرکت مملکت باید GDP یا همان تولید سرانه ملی باشد. این موضوع رفاه و آسایش می‌آورد.

**شما با چه هدفی به ایران آمده‌اید و در چه زمینه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کنید؟**

**مهندس نادری:** اگر چه من در آمریکا تحصیل کرده‌ام اما سالها است که در ایران کار می‌کنم. سرمایه‌گذاری ما روی یک سیستم IT Base است که می‌تواند به عنوان یک صنعت جدید در ایران سیستم غیر علمی و انبارداری نامطمئن را به شیوه مدرن و استاندارد برساند. این سیستم می‌تواند تولید کالا را از تولید کننده تا مصرف کننده به شکل بهینه‌ای پوشش دهد و به طور مکانیزه و از طریق سیستم مجازی اینترنت و به طور هوشمند مدیریت کند. با این شیوه باید در هر استان حداقل یک مرکز برای این منظور احداث شود تا بتواند تمامی فعالیت‌های مربوط به تولید، انبارداری، توزیع و فروش محصولات را مدیریت کند. این شیوه می‌تواند تمامی فروشگاه‌ها و فروشندگان میانی و هدف را پوشش دهد و با عملکرد صحیح ۵۰ درصد هزینه‌های اضافی مربوط به توزیع و فروش را برای مصرف‌کنندگان کاهش دهد.

**با تشکر از فرصتی که در اختیار این نشریه قرار دادید.**

1. Gross Domestic Produce (GDP)